

بسمه تعالی
مجلس شورای اسلامی
دوره سوم - سال دوم
۱۳۶۸ - ۱۳۶۹

شماره ترتیب چاپ ۵۸۰

شماره دفتر ثبت ۲۴۹

شماره ۳۰ / ۴۸۸۸ / ج

تاریخ ۱۳۶۸ / ۵ / ۱

برادرگرامی حجت الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه تشکیل دادگاههای عام که بنا به پیشنهاد شماره ۱۵ / ۱۰۷۲ مورخ ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۸
دادگستری جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۶۸ / ۳ / ۲۷ هیات وزیران بتصویب
رسیداست به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد .

نخست وزیر

میرحسین موسوی

مراجعه به دادگستری همواره از کندی جریان امور شکایت داشتند و پس از پیروزی
انقلاب اسلامی مسئولان امر ، راحلهای گوناگونی را برای حل این معضل بررسی و تدوین
و تجربه کردند .

توسعه صلاحیتهای دادگاههای حقوقی ۲ ، پیشبینی راههایی که امکان مراجعه
مستقیم به دادگاههای کیفری را افزایش دهد ، افزایش شعب دادگاهها و نظایر اینها
از جمله این راحلهها بوداست . در اواسط دوره دوم مجلس شورای اسلامی بدنبال
جلسات مشترک شورای عالی قضائی و کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس ، هیاتی مرکب از
برخی از اعضای شورای عالی قضائی و برخی از اعضای کمیسیون تعیین شدند تا مساله و نحوه
رسیدگی سریعتر به امور حقوقی کیفری را با آنکه دقت فزاینده سرعت شود بررسی نمایند این هیات
در بررسیهای خود به این نتیجه رسید که در امور کیفری ، مراجعه مستقیم به دادگاهها
بمنوان اصل تلقی شود و موضوع تحقیق و بررسی ، موکول به بررسی ابتدائی قاضی دادگاه

باشد بطوریکه اگر مساله ساده تشخیص داده شد ، مساله به سرعت حل و فصل گردد و چنانچه موضوع پیچیده بود ، بدستور و زیر نظر قاضی دادگاه تحقیقات انجام یابد و سپس حکم قضیه صادر شود. همچنین پیشنهاد شد که هر یک از دادگاهها ، صلاحیت رسیدگی به امور کیفری و حقوقی و مدنی خاص را با تشخیص شورای عالی قضائی داشته باشند . این پیشنهاد در شورای عالی قضائی نیز بتصویب رسید .

برطرف کردن ایرادهای شورای محترم نگهبان به قانون آئین دادرسی (که بتصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود) نیز تنها با طرحی که ذکر آن رفت امکان پذیر بود و در جلسه مشترکی که با حضور فقهای شورای نگهبان و برخی از اعضاء شورای عالی قضائی و کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس (در ابتدای دوره سوم) تشکیل شد بر این مطلب تاکید شد و لایحه دادگاههای عام با توجه به دونگته اساسی .

۱ - عام بودن صلاحیت دادگاهها برای رسیدگی به انواع دعاوی با تشخیص شورای عالی قضائی .

۲ - رجوع مستقیم به دادگاههای کیفری و انجام تحقیقات (در صورت لزوم) زیر نظر دادگاه و بالاخره تشکیل مناطق قضائی .

بمصوب شورای عالی قضائی و هیات دولت رسید که اینک برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم میگردد .

لایحه تشکیل دادگاههای عام

ماده ۱ - بمنظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد ، دادگاههای با صلاحیت عام بشرح مواد آتی تشکیل میشود .

ماده ۲ - تاسیس دادگاههای عام در هر منطقه قضائی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص شورای عالی قضائی است .

ماده ۳ - با تاسیس دادگاههای عام در هر منطقه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبی با لحاظ قلمرو و محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود .

تبصره ۱ - منطقه قضائی مختار تاسیس از قلمرو یک شهر یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ .

تبصره ۲ - رسیدگی به اموری که به امر مقام معظم رهبری یا به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است .

تبصره ۲ - حاکم محکمه دادگاه عام در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف شورای عالی قضائی داشته باشد .

ماده ۲ - احکام دادگاههای عام قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدید نظر پیش بینی شده است .

ماده ۵ - قضات دادگاههای عام مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم تشبه مطروحه را صادر نمایند، بویا مستغف از فصل خصومت و احقاق حق محسوب میشوند .

ماده ۶ - قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است . تخلف از این امر وانشاء رای بطور کلی و عموم موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۲ خواهد بود .

ماده ۷ - هر منطقه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه عام ، قضای تحفوق ، دفتر دادگاه ، پلیس قضائی و یک واحد ارشاد و مساعدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب فارای یک دفتر کل نیز خواهد بود .

ماده ۸ - واحد ارشاد و مساعدت قضائی از تعدادی از افراد خیر و خیره تشکیل میشود که با توصیه و صلاحدید قضات دادگاههای عام عهده دار امر ارشاد هدایت و ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی و خصومت خواهد بود .

تبصره - ترتیب تشکیل این واحدها ، تعداد اعضای هر واحد ، طریقه انتخاب و شرایط آن ، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات تصمیم گیریها بموجب آئین نامه ای تعیین میشود که بتصویب شورای عالی قضائی خواهد رسید .

ماده ۹ - رئیس شعبه اول دادگاههای عام در هر منطقه قضائی رئیس منطقه قضائی است و می تواند به تعداد لازم و با تصویب شورای عالی قضائی معاون داشته باشد و در غیاب وی به ترتیب سابقه بیشتر در امر قضا عهده دار این سمت خواهد بود و امر ارجاع پرونده و شکایات و دعاوی به شعب دادگاهها به ترتیب بر عهده آنان است .

ماده ۱۰ - رئیس منطقه قضائی هر شهرستان بعنوان رئیس دادگستری آن شهرستان برگزیده دادگاههای عام نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان خواهد داشت .

ماده ۱۱ - ضابطین دادگستری هر منطقه قضائی از جهت امور قضائی تحت ریاست و نظارت رئیس همان منطقه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقامات قضائی میباشد، متخلفین از اجرای این دستورات از طرف رئیس منطقه قضائی مربوطه تحت تعقیب قرار گرفته و با ارجاع وی به یکی از شعب دادگاههای عام برای باز اول به انفعال از یکماه تا شش ماه و برای بار دوم به شش ماه و یک روز تا یکسال و برای بار سوم از یکسال و یکروز تا دو سال و برای بار چهارم به انفعال دائم از خدمت دولتی محکوم میشوند .

ماده ۱۲ - دادگاههای عام با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل میشود .

ماده ۱۳ - تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه و سیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهار نظر قضائی و انشاء رای با او است .

تبصره ۱ - رعایت دستور این ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پارامی از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور وزیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود .

تبصره ۲ - هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعانی از حوزه قضائی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی کننده میتواند از دادگان حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد .

ماده ۱۴ - قضات تحقیق تحت نظارت و تعلیمات قضات و دادگاههای عام منطقه قضائی خود عهددار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع میشود . اظهار نظر هائی که مستلزم رسیدگی ماهوری است از دائره مشمول امور مذکور در این ماده مستثنی است .

ماده ۱۵ - دادگاههای عام پس از ختم رسیدگی مبادرت به انشاء رای می نمایند و در مجازاتهای اعدام ، رجم ، قطع ، قصاص نفس یا عضو ، حبس بیش از ده سال یا جزای نقدی بیش از پنج میلیون ریال و دبه کامله یک انسان مسلحان و سایر محکومینهای کبفری یا حقوقی که محکوم به آن بیش از پنج میلیون ریال باشد و نیز حکم به طلاق که زن تقاضا نموده باشد ، دادگاه پس از انشاء رای بلافاصله پرونده را به دیوانعالی کشور ارسال می نماید و در سایر موارد پس از انشاء رای دستور اجراء حکم را صادر می نماید مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده است کماجره حکم تا تعیین تکلیف نهائی متوقف میشود .

ماده ۱۶ - در مجازاتها و جرائم مذکور در ماده ۱۵ و نیز مواردی از امور حقوقی که در آن ماده ذکر شده است پرونده پس از ارسال به دیوان قضائی کشور در یکی از شعب مورد رسیدگی شکلی قرار میگیرد و در صورتی که حکم صادره مورد تأیید باشد پس از تنفیذ پرونده جهت اجراء به دادگاه صادر کننده حکم اعاده میشود و در صورتی که به جهت نقض در مراحل رسیدگی و تحقیقات و یا به جهات شرعی و قانونی دیگر مورد تأیید نباشد با ذکر جهات عدم تأیید حکم صادره نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه بدوی اعاده میگردد .

ماده ۱۷ - دادگاه چنانچه با نقض حکم موافق باشد مجدداً رسیدگی نموده و حکم قضیه را صادر می نماید و این حکم نیز چنانچه از موارد مذکور در ماده ۱۵ باشد پرونده مجدداً به دیوان کشور ارسال میگردد .

ماده ۱۸ - در صورتیکه دادگاه نظر دیوان کشور را نپذیرد پرونده را نزد ریاست منطقه قضائی ارسال می نماید و رئیس منطقه می تواند خود راساً به پرونده رسیدگی و حکم قضیه را صادر نماید و یا به شعبه دیگر همان منطقه ارجاع نماید و در صورتیکه در منطقه بیش از یک شعبه نباشد و یا شعبه دیگر فاقد قاضی باشد رئیس دادگاه پرونده را به نزدیکترین دادگاه حوزه دیگر ارسال می نماید .

ماده ۱۹ - در صورتیکه شعبه بعدی نیز با نظر دیوان کشور موافق نباشد پرونده به دیوان کشور ارسال میشود تا در یکی از شعب مورد رسیدگی قرار گیرد شعبه پس از رسیدگی حکم قضیه را صادر می نماید .

ماده ۲۰ - قرارها و احکامی که از دادگاههای عام صادر میشوند چنانچه به تشخیص قاضی صادر کننده حکم و یا شورای عالی قضائی خلاف موازین شرعی و یا قانونی صادر شده باشد تأیید نقض و رسیدگی مجدد میباشد .

تبصره - اجراء قرار یا حکم یا تعیین تکلیف قضائی به ترتیب مذکور در موارد بعدی متوقف نخواهد شد .

ماده ۲۱ - قاضی صادر کننده حکم و یا شورای عالی قضائی در موارد مذکور در ماده ۲۰ دلائل خود را کتبا به دیوان کشور اعلام می نماید شعبه دیوان کشور پس از ملاحظه این دلائل و مطالعه پرونده چنانچه حکم یا قرار صادره را به همین دلیل و یا به جهت دیگری خلاف موازین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد آنرا نقض و پرونده را به دادگاه

صادر کننده قرار یا حکم اعاده می کند تا مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد و در غیر اینصورت با ذکر دلایل رد اعتراض قرار یا حکم را تأیید و با صدور دستور اجراء پرونده را به حوزه قضائی مربوط اعاده می نماید .

ماده ۲۲ - قاضی دادگاه که پرونده جهت رسیدگی مجدد به وی ارجاع شده است چنانچه موافق نظر دیوان کشور نباشد به ترتیب مذکور در ماده ۱۸ و ۱۹ عمل خواهد شد .

ماده ۲۳ - دادگاه عام صادرکننده قرار یا حکم مکلف است برای یک بار اعتراض طرفین دعوی یا وکیل یا قائم مقام قانونی آنان را مورد رسیدگی قرار دهد و چنانچه اعتراض آنان را مبنی بر خلاف شرع و یا قانونی بودن قرار و یا حکم صادره از آن دادگاه موجه و وارد تشخیص دهد طبق مواد ۲۰ و تبصره آن و ۲۱ و ۲۲ عمل خواهد شد .

ماده ۲۴ - در صورتیکه دادگاه اعتراض را وارد تشخیص ندهد در مجازاتنها و جرائم و امور حقوقی مذکور در ماده ۱۵ به ترتیب مذکور در همان ماده و مواد بعدی عمل خواهد شد و در سایر احکام و نیز در مورد قرارها ضمن دستور اجراء قرار یا حکم پرونده را همراه با ذکر دلایل خود مبنی بر رد اعتراض نزد ریاست منطقه قضائی و در صورتی که بیش از یک شعبه در منطقه نباشد به نزدیکترین حوزه قضائی ارسال می نماید

ماده ۲۵ - رئیس منطقه قضائی پرونده را به شعبه دیگری ارجاع می دهد در صورتی که شعبه بعدی با نظر دادگاه بدوی موافق بود حکم یا قرار آن دادگاه را تأیید و پرونده را اعاده می نماید و در صورتیکه اختلاف نمودند رأی رئیس شعبه اول قطعی و لازم الاجراست .

ماده ۲۶ - در صورتیکه در یک منطقه دو شعبه دادگاه عام داور نباشد رسیدگی به اعتراض پس از ارجاع پرونده از طرف دادگاه صادرکننده قرار یا حکم با شعبه دیگر است و در صورت اختلاف به نزدیکترین حوزه قضائی ارسال می شود رأی دادگاه سوم قطعی و لازم الاجراء است و همچنین در صورتیکه در منطقه بیش از یک شعبه دادگاه نباشد و در نزدیکترین حوزه نیز بیش از یک شعبه نباشد در صورت اختلاف به حوزه بعدی که نزدیکتر است ارجاع می شود و رأی دادگاه سوم قطعی و لازم الاجراء است .

ماده ۲۷ - جهت تقدیم اعتراض طرفین دعوی یا وکیل یا قائم مقام قانونی آنان

به دادگاه صادرکننده قرار و یا حکم برای کسانی که اقامتگاه آنان در داخل کشور باشد
بیست روز پس از ابلاغ حکم با قرار و برای گنجیار دو ماه سپس از ابلاغ می باشد .

ماده ۲۸ - در امور حقوقی چنانچه محکوم علیه به طوری که در تأمین خواسته
مقرر است نسبت به محکوم له تأمین بدهد اجرای حکم تا صدور حکم مرجع تجدیدنظر
متوقف خواهد شد .

ماده ۲۹ - احکام دادگاههای عام بدستور رئیس دادگاه عام صادرکننده حکم
وقت نظارت وی با رعایت مقررات قانون آئین دادرسی کیفری و قانون اجرای احکام
مدنی مصوب اول آبان ۱۳۵۶ اجرا خواهد شد .

ماده ۳۰ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه عام نسبت به امر مطرح
نزد آن با همان دادگاه است .

ماده ۳۱ - هرگاه در امر واحدی دو مرجع قضائی دادگستری یا یک مرجع قضائی
دادگستری و یک مرجع غیر دادگستری هر دو خود را صالح بدانند یا هر دو از خود نفی
صلاحیت نمایند اختلاف در صلاحیت محقق می شود .

ماده ۳۲ - در صورتیکه دادگاه عام یک منطقه قضائی از جهت محلی دادگاه عام
منطقه قضائی دیگری را صالح بدانند باید پس از صدور قرار لازم پرونده مربوطه را
به دادگاه عام منطقه قضائی صالح ارسال کند هرگاه این دادگاه عام همان دادگاه عام
قبلی را صالح تشخیص داد با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده مربوطه را جهت حل
اختلاف به نزدیکترین دادگاه عام منطقه قضائی خود ارسال خواهد کرد رای دادگاه
عام اخیر قطعی است .

ماده ۳۳ - هر مرجع قضائی دادگستری یا هر مرجع غیر دادگستری رسیدگی به
قضیه مطروحه نزد خود را در صلاحیت مرجع قضائی دادگستری دیگر یا مرجع غیر
دادگستری دیگر بدانند باید ضمن صدور قرار لازم پرونده امر را به مرجعی که صالح
مانسته ارسال کند و هرگاه مرجع مزبور همان مرجع قبلی را صالح دانست با صدور قرار
عدم صلاحیت پرونده مربوطه را جهت حل اختلاف و تعیین تکلیف قطعی به دیوان
عالی کشور ارسال خواهد کرد .

ماده ۳۴ - هرگاه امر واحدی در دو مرجع قضائی دادگستری یا دو مرجع غیر
دادگستری و یا یک مرجع قضائی دادگستری و یک مرجع غیر دادگستری مطرح رسیدگی

باشد هر یک از دو مرجع مزبور باید پس از اطلاع از این امر رسیدگی یا انشاء رای را متوقف ساخته پرونده مربوطه را جهت حل اختلاف و تعیین تکلیف قطعی به دیوانعالی کشور ارسال کنند.

ماده ۳۵ - در مورد دو ماده قبل اشخاص ذینفع یا هر یک از طرفین اختلاف نیز می توانند درخواست نامه خود را جهت رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی به دیوانعالی کشور تقدیم کنند.

ماده ۳۶ - چنانچه امر واحدی در دو مرجع قضائی دادگستری یا غیر دادگستری و یا یک مرجع قضائی دادگستری و یک مرجع غیر دادگستری منتهی به انشاء رای قطعی شده باشد رای مرجعی لازم الاجراست که به تشخیص دیوانعالی کشور صالح بر رسیدگی و انشاء رای بوده و رای دیگر قانوناً بی اعتبار است و اگر هر دو مرجع صالح تشخیص شوند رای اخیرالصدور قانوناً از درجه اعتبار ساقط و رای ابتدائی معتبر است.

ماده ۳۷ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون شوراهای قضائی مکلف است حداکثر ظرف ده سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عام و انحلال دادرسیهای عمومی مربوطه و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضائی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید.

ماده ۳۸ - شوراهای قضائی میتوانند در مدت ۱۰ سال مذکور در ماده ۳۷ به منظور تربیت نیروی قضائی واجد شرایط لازم برای تصدی دادگاههای عام دادگاههای عامی با صلاحیت معادل دادگاههای حقوقی یک و کیفری یک و حقوقی ۲ و کیفری ۲ و با حقوقی یک و کیفری دو و کیفری یک و حقوقی ۲ قطعی تشکیل دهد.

ماده ۳۹ - با تشکیل هر منطقه قضائی دادگاههای عام و انحلال دادرسیهای عمومی تکالیف قانونی دادستان در امور حسبی به رئیس شعبه اول دادگاه عام منطقه قضائی محول خواهد شد و همچنین در کتب قوانینی که دخالت دادستان یا نماینده دادستان پیش بینی شده رئیس شعبه اول دادگاه عام منطقه قضائی یا نماینده ایشان که یکی از قضات شعب خواهد بود انجام وظیفه خواهند کرد.

ماده ۴۰ - دادگستری مجاز است بمنظور تکمیل اعضاء دفتری دادگاههای مهم نسبت به استخدام کارمندان اداری به تعداد لازم اقدام کند. اجازه مذکور صرفاً برای تشکیلات مربوطه به دادگاههای عام است.

ماده ۴۱ - دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسائل و تجهیزات لازم دادگاههای عام از قبیل محل استقرار ، ملزومات و وسائل نقلیه و دیگر لوازم و وسایل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسائل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد .

ماده ۴۲ - از تاریخ تشکیل دادگاه عام در هر منطقه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی است و دادگاههای عام مناطق قضائی با رعایت موازین شرع و قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی میتوانند از سایر قوانین و مقرراتی که از اعتبار قانون ساقط نشده و مخالف موازین شرع نیز نباشد استفاده کنند . / ن

وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران

نخست وزیر

تاریخ چاپ ۱۳۶۸/۶/۹

مبحث اول از فصل اول قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان ۱۳۵۶

قانون اجرای احکام مدنی

فصل اول - قواعد عمومی

ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری بموقع اجرا گذارده نمیشود مگر آنچنانکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردیکه قانون همین میکند صادر شده باشد.

ماده ۲ - احکام دادگاههای دادگستری و قوه قضائیه بموقع اجرا گذارده نمیشود مگر بمسکوم طایفه واریکل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شد و بمسکوم مدعیان یا بجهت موافقت مقام قانونی او کتباً ایسین تقاضای کار دادگاه بنماید.

ماده ۳ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمیشود.

ماده ۴ - اجرای حکم با صدور اجرائیه بعمل میآید مگر آنچنانکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

در مواردیکه حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف مسکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجرائیه صادر نمیشود همچنین در مواردیکه سازمانها و موسسات دولتی و وابسته بدولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و موسسات مزبور مکلفند دستور دادگاه حکم را اجرا کنند

ماده ۵ - صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.

ماده ۶ - در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت مسکوم له و مسکوم علیه مشخصات حکم و موضوع آن و اینکه بر داخت حق اجرا میدهد مسکوم علیه میباید نوشته شده و بمقام رئیس دادگاه مورد دفتر رسید میسر دادگاه مرسوم برای ابلاغ فرستاده میشود.

ماده ۷ - برگهای اجرائیه بمقتدا مسکوم علیه هم بعلاوه و نسخها در میشود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ بمسکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی میگرد و هر یک نسخه نیز در موقع ابلاغ بمسکوم علیه داده میشود.

ماده ۸ - ابلاغ اجرائیه بطریق مقررات آئین دادرسی مدنی بعمل میآید و آخرین محل ابلاغ بمسکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقاً بلاغ محسوب است.

ماده ۹- در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد معافا از اجرائیه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتهای ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگاهی می گردد و در روز پس از آن بموقع اجرا گذاشته میشود . در این صورت برای عملیات اجرائی ابلاغ با اخطار دیگری به محکوم علیه لازم نیست مگر اینکه محکوم علیه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجرا اطلاع دهد . معافا این ماده باید در آگاهی مزبور قید شود .

ماده ۱۰- اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه مجبور یا فوت شود اجرائیه حسب مورد به ولی ، قیم ، امین ، وصی ، ورثه یا مدبر ترکه او ابلاغ می گردد و هرگاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیهها شده معافا از اجرائیه عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطار به آنها اطلاع داده خواهد شد .

ماده ۱۱- هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه میتواند راسا یا بدرخواست هر یک از طرفین با اقتضای مورد اجرائیه را باطل یا تصحیح نماید یا عملیات اجرائی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد .

مبحث دوم - دادویزها (مامورین اجرا)